

کلام آغازین

صبح ساعت ۱۱ از دفتر وزارتی تماس گرفتند که بعد از ظهر جلسه شورای معاونان برگزار می‌شود. هر شنبه جلسه شورای معاونان ساعت ۱۴ برگزار می‌شد. امروز شنبه، ششم شهریورماه ۱۴۰۰، آقای دکتر محمدعلی زلفی گل به عنوان وزیر جدید علوم، تحقیقات و فناوری وارد وزارتخانه شده بود و حال قرار است اولین جلسه شورای معاونان در دوره صدارت ایشان برگزار شود. در جلسه آقای دکتر منصور غلامی، که تا چند روز پیش بر مصدر وزارتخانه نشسته بود، هم دعوت شده بود. در ابتدای جلسه وزیر جدید بسیار از ایشان قدردانی و اشاره کرد که در دوره ریاست آقای دکتر غلامی بر دانشگاه بوعلی سینای همدان در آن دانشگاه استخدام شده است و او را بسی ستود و از شیوه مدیریتش در دوره ریاست در دانشگاه تجلیل کرد و البته از تلاش‌های او در وزارتخانه هم صمیمانه تشکر کرد. جلسه خوبی بود و بی‌گمان شأن هر دو بزرگوار و مکانت وزارت علوم درخور چنین رفتاری بود. این مراسم حدود سی دقیقه طول کشید و با عکس یادگاری به پایان رسید و آقای دکتر غلامی جلسه را ترک کرد.



نخستین حضور دکتر محمدعلی زلفی گل در شورای معاونان وزارت علوم - ششم شهریور ۱۴۰۰

پس از آن آقای دکتر زلفی گل از اعضا خواست که با معرفی خودشان، «آرزوهای مدیریتی» شان را بیان کنند و توضیح داد که به تدریج با وظایف هر حوزه آشنا خواهد شد؛ به همین دلیل در این جلسه دوست دارد بدانند هر مدیری چه دلش می‌خواسته انجام دهد که به هر دلیلی امکان آن پیش نیامده است.

هر یک از اعضای شورا شروع به سخن کردند و توضیحاتی از حوزه تحت مدیریت خود و آنچه باید انجام دهند؛ بیان کردند. این جلسه در آن روز به پایان نرسید و بنا به فرمایش وزیر قرار شد جلسه یکشنبه و دوشنبه هم ادامه پیدا کند تا نظر همه اعضا را بشنود. آنگاه که نوبت بحث به نگارنده رسید، سه آرزو را برای وزارت علوم مطرح کرد که همه ذیل «حکمرانی علم و فناوری» قرار می‌گرفت:

الف. حکمرانی فرورزارتی؛ ب. حکمرانی فراوزارتی؛ ج. حکمرانی درون‌وزارتی.

الف. حکمرانی فرووزارتی: در حال حاضر در همه استان‌های کشور نهادهای مختلفی در عرصه آموزش عالی فعالند: دانشگاه‌های دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای، مراکز آموزش علمی-کاربردی، واحدهای دانشگاه پیام نور، مؤسسه‌های آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی و مؤسسه‌های آموزش عالی آزاد.

این نهادها هم در تعریف مأموریت‌های‌شان، هم در کارکردشان و هم در عملکردشان به شدت با هم تداخل دارند و هیچ هماهنگی میان آنها وجود ندارد. دانشگاه‌های آزاد همان رشته‌هایی را دارند که دانشگاه‌های دولتی در آن فعالیت می‌کنند؛ رشته‌های دانشگاه جامع علمی-کاربردی با دانشگاه فنی و حرفه‌ای به شدت هم‌پوشانی دارند، مؤسسه‌های غیرانتفاعی رقیبی سرسخت به نام دانشگاه آزاد در هر شهر و استان دارند که نه در رشته‌ها، نه در مقاطع تحصیلی و نه در شهریه هیچ هماهنگی (و حتی ارتباطی) با هم ندارند. دانشگاه پیام نور همان رشته‌هایی را دارد که دانشگاه دولتی همان شهر و استان دارد و حتی کلاس‌ها را هم حضوری برگزار می‌کند. در این میان نقش وزارت علوم به عنوان سیاست‌گذار و تنظیم‌کننده روابط این نهادها مخدوش است و هرچند گامی اولیه در ایجاد شورای مدیریت آموزش عالی استانی برداشته شده اما لازم است با نگاهی عمیق و سازوکاری عملی، این مسئله را سامان داد.

ب. حکمرانی فراوزارتی: وزارت علوم با نهادهای دیگری چون معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در برنامه‌ریزی و کارکردهای علمی و فناورانه تداخل دارد؛ پارک‌های فناوری از وزارت علوم مجوز می‌گیرند ولی حمایت مالی‌شان از معاونت علمی است؛ دانشجویان دکتری در دانشگاه‌ها درس می‌خوانند ولی عطیه پژوهشی‌شان از معاونت علمی تأمین می‌شده است؛ هنوز بر سر برخی رشته‌ها بین وزارت علوم و وزارت بهداشت اختلاف نظر وجود دارد؛ قرار بوده هیچ دستگاه اجرایی نهاد آموزش عالی نداشته باشد ولی دارند. این در اجراست اما در سیاست‌ها و برنامه‌های کلان هم میان وزارت علوم و شورای عالی انقلاب فرهنگی تداخل‌های فراوان وجود دارد. شورای عالی در موضوع کنکور مصوبه دارد، مجلس هم قانون دارد و این دو هم‌راستا نیستند و وزارتخانه موظف به رعایت هر دو مصوبه است!

در سطوح فراوزارتی و در تنظیم روابطمان با دستگاه‌های هم‌تراز مشکل داریم و هنوز نتوانسته‌ایم در سطح ملی وجوه مختلف آموزش عالی، پژوهش، فناوری و نوآوری را هماهنگ کنیم. باید به این اصل اعتقاد داشته باشیم که وزارت علوم، وزارت دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های دولتی نیست و باید سیاست آموزش عالی، پژوهش، فناوری و نوآوری را در سطح ملی تدوین و اجرایی‌سازی کند و بعد بر اجرای صحیح آنها نظارت نماید.

ج. حکمرانی درون‌وزارتی: در ساختمان شانزده طبقه وزارت علوم، منطقیاً باید همه ارکان از یک سیاست واحد پیروی کنند و در عرصه اجرا منسجم و هماهنگ باشند. اجزای مختلف ستادی همچون جزایری خودمختار عمل می‌کنند و این مجمع‌الجزایر نیاز به حکمرانی آگاه و مسلط دارد. این همه شورا در وزارتخانه داریم که در رأس آنها وزیر علوم است آنگاه در یکی تصمیم گرفته می‌شود به فلان مؤسسه آموزشی/پژوهشی این تعداد دانشجو و رشته بدهیم و در دیگری رأی به عدم کفایت مؤسسه می‌دهیم؛ حدود بیست سامانه اطلاعاتی در بخش‌های مختلف ستادی مورد استفاده قرار می‌گیرد و هیچ هماهنگی میان آنها وجود ندارد و هم کارفرمایش، هم پیمانکارش و هم بهره‌بردارش متفاوت از بقیه است؛ طرفه اینکه در برخی حوزه‌ها هم‌زمان از چهار سامانه مختلف استفاده می‌شود! هنوز نمی‌دانیم فرایند تدوین مقررات مورد نیاز چگونه است؛ هر حوزه‌ای هر چه را لازم می‌داند می‌نویسد و به امضای وزیر می‌رساند فارغ از اینکه تأثیرش بر حوزه دیگر چه خواهد بود. حتی توازن کار و مسؤولیت و اختیارات در ستاد وزارت تعریف نشده، هنوز وزارتخانه برنامه‌های سالیانه ندارد که در آن سمت و سوی حرکت هر حوزه‌ای مشخص شده باشد و این موارد لزوم بروز بینشی جدید و کنشی اجرایی در سطح ستاد و حکمرانی درون آن را پررنگ می‌کند.

تکمله

اینک که این سطور به چاپ می‌رسد چند ماهی از تغییرات ستاد و صف وزارت علوم می‌گذرد؛ واقعیت این است که امور وزارتخانه‌ها (و از جمله وزارت علوم) به مثابه هر سازمان اداری دیگری به شدت تحت تأثیر امور روزمره و مستحدثه

است و این امور چنان وسیعند که به راحتی وقت روزانه همه مدیران را می گیرند و از صبح که می آیند تا پاسی از عصر، همه به رفع و رجوع همین امور می گذرد و شب که فرا می رسد خوشحالند که امروز هم گذشت و کارها انجام شد! غافل از اینکه اموری بر زمین مانده که اگر آنها را انجام داده بودیم بسیاری از کارهای روزمره هم سامان می یافت؛ هم از این روست که نگارنده معتقد است هر مدیری باید خمس وقت، خمس دانش، خمس تجربه، خمس انرژی و خمس توان خود را در مواردی خرج کند که اگر جزء اموال امروز است ولی نادیدن و ناپرداختن به آنها مایه خسران نظام ملی علم و فناوری در فردا خواهد شد.

اما بعد؛

در این شماره شش مقاله به زیور طبع آراسته شده که سه تای آنها در حوزه عمومی تجاری سازی علم، کارآفرینی و فناوری است و سه مقاله دیگر به تحلیل اسناد مرتبط با حوزه علم و فناوری اختصاص یافته است؛ در مقاله «بررسی مفهوم معنویت در کارآفرینی» به موضوع تأثیر معنویت گرایی بر فضای خلاقیت و نوآوری به عنوان ویژگی های اصلی کارآفرینی در جهان متجدد می پردازد و بر اساس رویکرد داده بنیاد، اثر مصادیق مختلف معنویت گرایی همچون نوع دوستی و اخلاق مداری را بر بافتار کارآفرینی مورد بحث قرار می دهد.

در مقاله دوم «در جستجوی الگوی تجاری سازی پژوهش های دانشگاهی»، تلاش شده با استفاده از مدلی هفت مرحله ای به اهمیت عطف توجه مؤسسه های علمی بر فرایند تجاری سازی یافته های پژوهشی و چگونگی بازارسازی برای آنها تأکید شود.

در مقاله «سناریونگاری آینده انرژی ایران» تلاش شده بر مبنای تقاطع سناریوهای جهانی انرژی و عدم قطعیت های بوم ایران، آینده انرژی در ایران در قالب سناریوهای مختلفی بازنموده شود و از میان آنها سناریو «شورای جهانی انرژی» ۲۰۶۰ به عنوان سناریو منتخب تبیین شده است.

در مقاله چهارم با عنوان «تحلیل محتوای کیفی اسناد بالادستی حوزه علم و فناوری»، یازده سند فرادستی در حوزه آموزش عالی، پژوهش و فناوری کندوکاو و از این رهگذر بر اصلی ترین نکات محتوایی آنها تأکید شده است.

در مقاله پنجم با عنوان «تحلیل روابط بین ویژگی های مقاله های نویسندگان یک درصد برتر ایرانی» با انتخاب دوازده پژوهشگر از فهرست دانشمندان ایرانی یک درصد در سال ۲۰۲۰ به بررسی عوامل مؤثر بر استنادپذیری مقالات آنان پرداخته است.

مقاله ششم با عنوان «اهداف و ابزارهای سیاستی توسعه هوش مصنوعی» تلاش کرده با بررسی اسناد ملی توسعه هوش مصنوعی در کشورهای امریکا، چین، انگلیس، روسیه، هند و امارات، مضامین کلیدی این اسناد را در قالب اهداف سیاستی و ابزارهای سیاستی استخراج کند.

علاوه بر مقاله های فوق، یادداشتی نیز تحت عنوان «آینده نگاری و سیاست گذاری علم، فناوری و نوآوری» در این شماره به چاپ رسیده که در آن تلاش شده با بیانی موجز ارتباط میان نتایج آینده نگاری با سیاست گذاری علم و فناوری تبیین شود.

غلامعلی منتظر

سر دبیر